

## مافیای اقتصادی رژیم و بازار بورس تهران

مسأله تازاج و حیف و میل اموال عمومی توسط بالاترین مقامات حکومتی موضوعی نیست که از چشم تیزبین توده ها مخفی مانده باشد و از زوایای گوناگون آن بی اطلاع باشند. مسأله تخریب بنیان های اقتصادی توسط عمال و کارگزاران بالای حکومتی البته مربوط به دوران بعد از دوم خرداد نمی باشد و این مهم از هنگام تسلط کامل حاکمان کنونی از طریق زور و سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام، پیوسته در جریان بوده است. آن چیزی که این موضوع را ابعاد گسترده و جدید داده است، داده ها و افشاگری هایی است که عمدتاً توسط روزنامه های اصلاح طلب و در فضای ناشی از حضور توده ها در عرصه های مختلف فرصت انتشار یافته است. به همین دلیل روزنامه ها و اشخاصی که در اینباره گوشه هایی از زوایای تاریک را

مسأله تازاج و حیف و میل اموال عمومی توسط بالاترین مقامات حکومتی موضوعی نیست که از چشم تیزبین توده ها مخفی مانده باشد و از زوایای گوناگون آن بی اطلاع باشند. مسأله تخریب بنیان های اقتصادی توسط عمال و کارگزاران بالای حکومتی البته مربوط به دوران بعد از دوم خرداد نمی باشد و این مهم از هنگام تسلط کامل حاکمان کنونی از طریق زور و سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام، پیوسته در جریان بوده است. آن چیزی که این موضوع را ابعاد گسترده و جدید داده است، داده ها و افشاگری هایی است که عمدتاً توسط روزنامه های اصلاح طلب و در فضای ناشی از حضور توده ها در عرصه های مختلف فرصت انتشار یافته است. به همین دلیل روزنامه ها و اشخاصی که در اینباره گوشه هایی از زوایای تاریک را

ضمیمه

ضمیمه ۶۵۱، دوره هشتم

سال نوزدهم، ۲۴ دی ماه ۱۳۸۱

## ادامه حملات ارتجاع و بستن روزنامه های "حیات نو" و "بهار"

اطلاعیه خویش با این جملات که: "سعی بر آن داریم که کار به کر بلایی دیگر نکشد و بدخواهان و منافقان خود یا زبان خوش پر سر جایشان بنشینند، اما اگر تقدیر به فرمان حسین زمانه به آن جا ختم شود ما نیز بدون درنگ ندای عاشورایی سر خواهیم داد." مشخص ساخت که در پس این غوغا، خفه کردن جنبش مردمی در مد نظر است. عسکر اولادی دبیر این جمعیت ادعا کرد که سازمان "سیا" دو شب قبل از چاپ کاریکاتور در روزنامه حیات نو آن را روی سایت اینترنتی گذاشته تا مژدوران آنها در داخل ایران طبق دستورالعمل از آن بهره برداری کنند. در تجمعات مختلفی که با سازمان دهم نیروهای سرکوب گر بر پا گردید، شعارهایی داده شد که در آن حملات مستقیمی به جبهه مشارکت، محمد خاتمی، رئیس جمهوری، و آغازگری سر داده شد.

در این هفته دو روزنامه اصلاح طلب ایران به تعطیلی کشانده شدند. روزنامه بهار که در دوره جدید فقط ۱۵ شماره از آن فرصت انتشار یافت با همان بهانه های واهی گذشته، که در مورد بیش از ۹۰ نشریه دیگر به کار گرفته شده بود، توسط قوه قضائیه توقیف شد. حیات نو که توانسته بود در طول چند سال گذشته لنگ لنگان به راه خود ادامه بدهد نیز در نهایت به همان سر نوشت دچار گردید. تعطیلی دو روزنامه بهار و حیات نو در هفته جاری پدیده نوظهور و جدید بخصوص از مقطع دوم خرداد به بعد نیست و توده های مردم با اینگونه اقدامات که مستقیماً توسط "بیت رهبری" هدایت و به وسیله قوه قضائیه به مورد اجرا درمی آید واقف و آگاه هستند. صرف نظر از توقیف دو روزنامه مذکور موضوع مهم، اهداف و ماهیت چنین اقداماتی در لحظه کنونی می باشد. به هنگام تعطیلی قله ای روزنامه ها در گذشته که به یکباره نزدیک به ۲۰ روزنامه و نشریه تعطیل گردیدند، هدف از آن اقدام، کاهش سطح اطلاع رسانی و افشاگری تا حداقل ممکن بود که از آن طریق برنامه های ارتجاع به مورد اجرا گذاشته شود. در طول چند روز گذشته سلسله تظاهرات فرمایشی و افاضات مختلفی بیان گردید که خود به روشنی اهداف و ماهیت چنین حرکتی را مشخص می کند. جمعیت مؤتلفه اسلامی در

خبر گویایان و روشن تر از آن می باشد که نیاز به توضیح و تفسیر داشته باشد، همچنین همگان بدین امر واقف هستند که چه کسانی به دلیل وجود چنین منافع کلانی، اقدام به جنایات عظیم، چه از نظر مالی و چه از نظر جانی کرده و می کنند. بیپوده نبود که در اطلاعیه دادگاهی که حکم توقیف روزنامه "بهار" را صادر کرد، از جمله دلایل اقامه شده بر ضد این روزنامه، "توهین و اهانت به مسئولان رسمی کشور و انجام فعالیت تبلیغی علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویش آذهان عمومی و چاپ مطالب خلاف واقع" ذکر گردیده است. رژیم ولایت فقیه با چنین اقداماتی خیال می کند پایه های فاسدش را تحکیم می بخشد اما در واقع امر این خود باعث روشنگری توده ها می شود و نفرت و تفرقه هر چه بیشتر بر ضد حاکمان کنونی را فراهم می آورد.

### مداخلات سرکوبگرانه سپاه در امور سیاسی

رژیم ولایت فقیه از بدو تحکیم پایه های حکومت خویش با برنامه ریزی، اقدام به برپایی از گان هایی کرده است که در ظاهر بیاید به امور مربوط به خویش بپردازند، اما در واقع امر اهرم های گوناگونی اند برای حفظ و بقای این رژیم سرکوب گر. سپاه پاسداران یکی از این از گان ها است که عمده فعالیت تاکتونی اش سرکوب جنبش و حرکت های توده ای بوده است. این نقش بخصوص از مقطع جنبش دوم خرداد به بعد، در غالب سخنان، اعلامیه های مختلف و حرکت های سرکوب گرانه از جمله ترور، ضرب و شتم فعالان سیاسی و تغذیه و تدارکات برای گروه های فشار و

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه حشرات ارتجاع و بستن روزنامه های

است و نه اصلا دل نگرانی آنها از بابت مسایل مذهبی و اسلامی. هجوم برنامه ریزی شده و گام به گام ارتجاع به نیروهایی که از نظر آنها مزاحم تلقی می شوند، تسلیم و تمکین و یا حذف آنها به طرق قانونی و غیر قانونی است. این مساله بی نیست که از دید حکومتیان طرفدار اصلاحات پوشیده مانده باشد. جبهه مشارکت در بیانیه بی به همین مناسبت با تاکید بر این موضوع، آورده است: "در حالی که تحولات درونی جامعه ما وضعیت پیچیده و غیر قابل پیش بینی را به وجود آورده و منطقه پیرامونی ما نیز آستان حوادثی غیر قابل محاسبه است و این شرایط هوشیاری، آرامش و تدبیر همه دلسوزان جامعه و اقشار مختلف خصوصا علمای کرام و رهبران فکری جامعه را می طلبد، متاسفانه بار دیگر به بهانه چاپ یک کاریکاتور، شاهد موجی دیگر از اعتراضات سازمان یافته و هماهنگ هستیم که نوک تیز پیکان حمله شان را متوجه آقای خاتمی و اصلاح طلبان کرده اند." در اظهار نظرهای دیگری که در این مورد بیان گردیده، این موضوع که هدف از هیاهوی اخیر چیزی بیشتر از مورد روزنامه حیات نبوده است، اشاره رفته است. حوادث این چنینی که هر از چند گاهی و به بهانه های مختلف بر پا می گردد، نشان می دهد که ارتجاع حاکم با تمام قوا سعی می کند از آنها حداکثر بهره برداری را کرده تا در نهایت جنبش مردمی را سرکوب کامل کند. بنابراین هم برای جناح حکومتی طرفدار اصلاحات و هم برای دیگر نیروهای مترقی خارج از حاکمیت محرز گردیده که هدف نهایی سرکوب است که وجه مشخصه اصلی آن در شرایط فعلی حول نیروهای دگراندیش در داخل ایران و حکومت دور می زند. به دلیل وجود چنین خطراتی است که چاره جویی برای برون رفت از این بحران و بن بست، زرمه صحبت ها و اظهار نظرات فعالان سیاسی گردیده که نقطه مرکزی آن مبتنی بر سازمان دهی توده ای و ایجاد تشکیلات مستقل دور می زند. به عنوان نمونه، اخیرا تقی رحمانی در سخنرانی خویش در آلمان که مختصر شده آن در سایت ملی مذهبی ها انتشار یافت، برای چندمین بار از سوی وی این مساله مورد تاکید قرار گرفت. رحمانی ضمن اشاره به جنبش های اجتماعی یک صد ساله اخیر ایران، فقدان نهادهای مدنی و سیاسی را عامل بازگشت دیکتاتوری ها ذکر کرد و گفت: "از همین روی هر جریان فکری- سیاسی باید تلاش کند برای تحقق آزادی بیان، بر تشکیل نهادهای مدنی- سیاسی بافشاری کند، به عبارتی به جای تلاش برای اسقاط هر دولت و حاکمیتی، از طریق آوردن نظریه های جدید با ایدئولوژی های بدیل، هر نیرو و جریانی باید تلاش خود را معطوف به تحقق دو عامل مزبور نماید، در غیر این صورت تحقق دموکراسی در جامعه ایرانی به تعویق خواهد افتاد. باید به جای این نکته که چه کسی حکومت می کند به این اصل مهم رسید که چگونه حکومت می کنند؟ و بر این موضع بافشاری کرد."

چنین موضع گیری هایی که خوشبختانه جای خود را هر روز بیشتر باز می کند نیازمند همکاری های تبلیغاتی نیروهای مترقی برای برجسته کردن این مهم نزد توده ها است. افشاکاری ارتجاع حاکم و ترفندهای آن برای ضربه زدن به جنبش مردمی در کنار تلاش برای برپایی جبهه وسیعی بی که همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و ضد استبداد بتوانند در صفوف آن متحد و متسجم شوند می تواند گام موثری در راه مقابله با حملات ارتجاع باشد. ما بارها اعلام کرده ایم که توان موجود در جنبش مردمی در حد بسیار بالایی است و این توان نیازمند اهرم هایی است که حرکات آن را موزون و مداوم سازد. تجربه چندین ساله جنبش و حتی قبل از آن نشان داده است که انجام چنین امری از عهده اشخاص و گروه های محدود خارج است و احتیاج به یک همکاری مشترک، لازم و حیاتی است. تغییر و تحولات در عرصه نیروهای کارگری، جنبش زنان و حرکت های دانشجویی این پیام را دارد که جامعه دیکتاتور زده ما مستعد و آماده و پذیرای چنین مهمی است. پیروزی جنبش مردمی تنها از همین راه و با تکیه به نیروی حامی و پشتیبان آن یعنی توده ها قادر به از میان برداشتن تمامی دشواری ها است.

## ادامه مناقشات سرکوبگرانه

اوباش تجلی و تشدید یافته است. هفته گذشته در پی ستوال نمایندگان از شمعخانی مبنی بر دخالت نظامیان در امور سیاسی وی در مجلس حضور یافت و به جوابگویی پرداخت. این جوابگویی یا بهتر است بگوییم ذهن کجی در حالی انجام گرفت که وی خود را ملزم به پاسخگویی نمی دانست و از حضور در مجلس خودداری کرده بود. صرف نظر از این موارد، سخنانی که وی در این مورد داشت دید حاکم بر ارگانی چون سپاه پاسداران را به خوبی نشان می دهد. وی در توضیح بیانیه سپاه در ماه تیر پیرامون "مخاطراتی که انقلاب اسلامی را تهدید می کند"، گفت: "سپاه پاسداران بر اساس قانون اساسی مسئولیت پاسداری از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن را بر عهده دارد و بر همین اساس بخش های تابعه سپاه حق دارند تحلیل های خود را از تهدیدات فراروی انقلاب اسلامی بیان داشته و فرماندهی سپاه این تهدیدات را به اطلاع گروه های اجتماعی، مدیران سیاسی و نهادهای انقلابی برساند." (رسالت، ۱۹ دی ماه)

شمعخانی باز در توجیه بیانیه تیرماه سپاه آن را ناشی از "فضای تهدید خارجی علیه موجودیت انقلاب اسلامی" و قرار دادن ایران در "محور شرارت" از سوی آمریکا عنوان کرد و اظهار داشت که وی اعتقاد دارد بیانیه سپاه در راستای ایجاد نمادهایی از بازدارندگی در برابر تهدید خارجی است. این سخنان در حالی بیان می شود که مردم و توده های میلیونی هنوز این سخن رحیم صفوی مبنی بر بستن دهان ها و بریدن زبان ها را فراموش نکرده اند. در آن زمان نه صحبت از محور شرارت بود و نه وضاحت منطقه به چنین صورتی بود. به علاوه مردم به خوبی شاهد بودند که اعضای سپاه پاسداران در مقاطع مختلف بخصوص در جریان اردوی دانشجویی دفتر تحکیم وحدت در خرم آباد ضمن ضرب و شتم تاج زاده و ایجاد رعب و وحشت در اردو و در نهایت به تعطیلی کشتن آن، نقش مستقیم و غیر قابل انکاری را ایفا کردند. بسیاری از فعالان سیاسی که به دلایل واهی دستگیر و روانه زندان گردیدند نیز در طول تمامی این دوران در بازداشتگاه هایی بودند که زیر نظر و تحت کنترل سپاه پاسداران بودند. حتی شخصی که اقدام به ترور سعید حجازیان کرد نیز از اعضای سپاه و در رابطه با این ارگان سرکوب گر بود و اتفاقا با هماهنگی همین ارگان اقدام به چنین عمل وحشیانه ای کرد. بنابراین کاملا محرز می باشد سخنان شمعخانی توجیعی است برای ادامه سرکوب ها. رژیم ولایت فقیه ایجاد، حفظ و کنترل چنین ارگان هایی را نه برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران، که برای بقا و دوام رژیم سرکوب گر خویش به مورد اجرا درآورده است. بر اساس چنین بینش سرکوب گرانه ای است که حزب توده ایران در برنامه خویش خواستار انحلال چنین ارگان هایی شده است. اعلامیه ها و بیانیه های سپاه که به مناسبت های گوناگون انتشار می یابد، منعکس کننده دشمنی آشکار این نهاد با خواسته های توده های میلیونی است که خواستار آزادی و دموکراسی در میهن می باشند.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1- Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 651

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

14 January 2003

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse